

عقلانیت اسلامی و لوازم آن

با تأکید بر آراء شهید مطهری

دکتر حسن عسکری

www.ketab.ir

سرشناسه : عسکری، حسن، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور : عقلائییت اسلامی و لوازم آن با تاکید بر

آراء شهید مطهری/ حسن عسکری.

مشخصات نشر : تهران : صبا، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری : ۵۷ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۸۵-۰

موضوع : عقل و ایمان (اسلام)
Faith and reason -- Islam

رده بندی کنگره : ۲/BP۲۲۹

رده بندی دیویی : ۴۸۱۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۹۷۵۶۴۸۷

عقلائییت اسلامی و لوازم آن با تاکید بر آراء شهید مطهری

تألیف : دکتر حسن عسکری

نویت چاپ : اول _ سال ۱۴۰۳

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۸۵-۰

ناشر : انتشارات صبا



ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، پلاک ۱۷، تلفن : ۳۳۹۰۵۳۳۸-۳۳۹۲۴۵۶۰

قیمت : ۱۵۰ هزار تومان

فهرست

۱. مقدمه: تصویری اجمالی از عقلانیت اسلامی ۱۰
۲. جریان‌های ظاهرگرا در اندیشه اسلامی: ۶
۳. جریان‌های عقل‌گرا در اندیشه اسلامی: ۱۰
- الف. رویکرد تاریخی: ۱۰
۱. معرفی و نقد عقل کلامی: ۱۰
۲. معرفی و نقد عقل فلسفی: ۱۳
۳. معرفی و نقد عقلانیت عرفانی: ۱۷
- ب. عقلانیت معاصر در اندیشه اسلامی: ۱۹
۴. معرفی و نقد عقلانیت مدرن: ۲۱
۵. معرفی عقلانیت معاصر اسلامی: ۲۷
- ۱،۵. ویژگی‌های عقلانیت معاصر اسلامی: ۲۷
۱. بازدارندگی: ۲۷
۲. دانش‌محوری: ۲۸
- ۱،۲. مبتنی بر دانش‌ها و منابع معرفتی گوناگون: ۲۸
- ۲،۲. مبتنی بر تفکر و اندیشه: ۲۹
- ۳،۲. استفاده از دانش‌های موجود بشری: ۲۹
- ۴،۲. مبتنی بر روش‌های چندگانه: ۳۰
- ۵،۲. سازگاری عقل و علم با دین: ۳۱

۳. آزادی عقل:	۳۱
۴. عقلانیت معطوف به تعادل:	۳۳
۵. ملاحظه پیشینه و نتایج مسائل:	۳۵
۶. نقادی:	۳۶
۷. خلاقیت و ابداع و سازندگی:	۳۷
۸. عقلانیت معطوف به نیاز و فایده:	۳۹
۹. عقلانیت معطوف به اخلاق:	۴۰
۱۰. عقلانیت معطوف به ایمان:	۴۳
۱۱. توحیدی بودن:	۴۴
۲، ۴. گونه های عقلانیت معاصر اسلامی:	۴۶
۱. گونه های عقلانیت معاصر اسلامی به لحاظ روش:	۴۶
۲. گونه های عقلانیت معاصر اسلامی به لحاظ کارکرد:	۴۷
۳. گونه های عقلانیت معاصر اسلامی به لحاظ ارتباط با دین:	۴۸
۵. عقلانیت تطبیقی:	۵۰

۱. مقدمه: تصویری اجمالی از عقلانیت اسلامی

عقل گوهر گرانبهایی است که در روایات اسلامی پیامبر باطنی قلمداد گردیده است^۱ و استاد مطهری در مقدمه جلد پنجم اصول فلسفه و روش رئالیست در مصاف با جریان های ظاهرگرا از آن به عنوان نیروی آسمانی یاد می کند که قادر است امور ماوراء طبیعی و مسائل الهیاتی و آسمانی را درک کند.^۲ آن گوهر ارزنده در روایات، اصل آدمی قلمداد شده است. از طرفی ارزش و قوام او نیز در گرو عقل عنوان گردیده است. در بیان امام علی (ع) الانسان بعقله و اصل الانسان لبه و قیمه الانسان بعقله شمرده شده است. و در گفتار پیامبر (ص) قوام المرأ عقله قلمداد گردیده است و در نظر استاد مطهری؛ «انسانی که عقل نداشته باشد جوهر و مغز انسانیت و آن مقوم و ملاک انسانیت را ندارد انسانی پوک و پوچ است یعنی یک صورت انسان است و معنی انسان در او نیست به حسب این تعبیر معنی انسان همان عقل او است»^۳ عقلی که پیامبری باطنی در روایات نامیده شده است پیامبری که تا آدمی به شکل صحیح از آن بهرمند نشود، نمی تواند از پیامبران بیرونی و دین آنها استفاده بهینه داشته باشد بلکه در روایتی از پیامبر (ص) «لادین لمن لا عقل له» نیز آمده است. بیش از سیصد آیه در نظر علامه طباطبائی پیرامون تعقل و تعبیر مشابهه آن در قرآن آمده است که دلالت بر

^۱ کلیات علوم اسلامی، ج ۲، ص ۶۹

^۲ اصول فلسفه و روش رئالیسم، طباطبائی، ص ۱۴

^۳ تعلیم و تربیت در انسان، مطهری، ص ۱۸۵

اهمیت عقل می‌کند.^۱ همچنانکه باب اول اصول کافی از مهمترین جوامع روایی شیعه، پیرامون عقل و جهل می‌باشد. قرآن در وصف کسانی که از عقل خود استفاده نمی‌کنند، شر الدواب (إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ)^۲ و رجس و پلیدی (وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ)^۳ را یادآوری می‌کند. استاد مطهری با رویکرد جامع و کل‌نگر به عقل‌نگریسته و در مواجهه با تمامی مسائل از جمله اسلام به تفسیر عقلانی از آن می‌پردازد. رویکرد عقلانی مطهری لوازم و نتایج گسترده‌ای در ابعاد گوناگون دارد که در ادامه نوشتار به آنها اشاره می‌گردد. نکته قابل توجه اینکه نه تنها مطهری چپستی و معنای عقل و ویژگی‌ها و ابعاد گوناگون آنرا بیان می‌کند و بر این اساس تفسیر عقلانی از اسلام ارائه می‌دهد و با جریان‌های ضد عقلی در اندیشه اسلامی به مقابله بر می‌خیزد و آثار زیان‌بار آنها را بر پیکره اسلام بارها مورد توجه قرار می‌دهد بلکه خود عقل را نیز بواسطه عقل‌مورد ارزیابی و سنجش قرار داده و حد آن را همچون کانت در فلسفه اش که فلسفه انتقادی است (Critical philosophy) مشخص می‌کند. حدی که ضمن استفاده حداکثری از ظرفیت عقل به «ماوراء عقل» که امر عقلانی است نیز تکامل می‌یابد.^۴ استاد مطهری مانند غالب اهل

^۱. المیزان، طباطبائی، ج ۵، ص ۲۵۵

^۲. انفال/۲۲

^۳. یونس/۱۰۰

^۴. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۱، مطهری، ص ۵۱-۵۵ و اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱

لغت عقل را از ریشه عقل که پای بند شتر است می داند و ویژگی «بازدارندگی» را در معنای عقل در نظر می گیرد اما این باز دارندگی چگونه برای عقل به وجود می آید و چه ویژگی می تواند این بازدارندگی را نمایان سازد؟ لازمه بازدارندگی دانش و معرفت است چرا که شخص جاهل فاقد این خصیصه است و مطهری علم را مَرَكَب عقل معرفی می کند و از لزوم تَوَاقُف بودن عقل و علم می گوید و شواهدی از آیات و روایات می آورد (وَلَيْكَ الْأُمَمَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ)^۱ و «یا هشام ثم بین ان العقل مع العلم»^۲ و در معنای اصطلاحی عقل با توجه به معنای لغوی آن عقل را استعداد و نیروی در آدمی می داند که آدمی را در امور نظری از ناکارستی به درستی و حقیقت و در امور عملی از بدی به نیکی و در روش ها و وسائل به وسیله و روش بهتر رهنمون می کند.^۳ مطهری در عقل عملیات گوناگونی نظیر تجرید، تجزیه و ترکیب، انتزاع و فکر و غیره را شناسایی کرده و نام آن را روانشناسی فلسفی^۴ می گذارد او در پاورقی های کتاب اصول فلسفه ج ۱ و ۲ و ۳ به تفصیل راجع عملیات ذهنی در باب علم و نسبت آن با واقعیت و همچنین دریافت وجود سخن می گوید. همچنانکه در کتاب آشنایی با قرآن ج ۱ و احیای تفکر اسلامی و غیره استفاده از روش های تجربی، عقلی،

۱. عنکبوت/ ۴۴

۲. تعلیم تربیت در اسلام، مطهری، ص ۲۵

۳. اصول فلسفه و روش رئالیسم، طباطبائی، ج ۵ ص ۱۴

۴. همان ج ۳، ص ۱۱۴

شهودی و نقلی را نیز از روش های مورد استفاده عقل می داند
 عملیات و روش های مذکور عقل را قادر می سازد تا به شناخت
 مسائل نائل آید. به هر حال ویژگی شناخت و معرفت یکی از
 خصائص اساسی عقل است به گونه ایی که علامه طباطبائی عقل
 را ادراک و آگاهی می داند ادراکی که در واقع متعلق عقل یعنی
 همان معقول می باشد. این ادراک و آگاهی نوعی عقد و پایبندی
 را در آدمی ایجاد می کند و از این جهت نیز با عقال هماهنگی
 دارد.^۱ همچنین ملاحظه واژه های مترادف عقل در قرآن نظیر نُهییه
 که بصورت جمع یعنی نُهی بازدارنده از گمراهی و گناه آمده
 است (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى)^۲ و حِجْر، منع کننده
 انسان از فعل و گفتار بد (هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ)^۳ از یک
 سو و ملاحظه کلمات مقابل عقل همچون جهالت، جنون، حماقت
 و سفاهت خصیصه بازدارندگی عقل و لازمه آن یعنی دانش را در
 نقطه مقابل عاقل یعنی جاهل و احمق و غیره وجود ندارد را
 بیشتر نمایان می سازد. در هر حال بر اساس آنچه بیان شد،
 بازدارندگی و آگاهی دو ویژگی اساسی عقل است، عقلی که نزد
 استاد مطهری عقل عرفی است و با استفاده از همه ظرفیت های
 نهفته در خود می تواند به عقل اسلامی تعالی یابد. از طرفی
 ویژگی بازدارندگی و معرفت را که به آن اشاره شد را می توان
 به عنوان معیار این عقلانیت نام برد. معیاری که امکان سنجش

۱. المیزان، ج. طباطبائی

۲. طه / ۵۴ و ۱۲۸

۳. فجر / ۵

و ارزیابی را برای ظرفیت عقل و یا جریان های ضد عقلی در تاریخ اندیشه اسلامی فراهم می آورد. برای نزدیک شدن به معنای عقلانیت اسلامی ابتداء راجع به این پرسش باید به تأمل نشست که عقلانیت اسلامی چه چیزی نیست و شامل چه جریان های می شود؟

www.ketab.ir